



فرمانده کل سپاه از ارسال بسته های حمایتی
برای ۳/۵ میلیون خانوار خبر داد

**روایت
رزمایش همدلی**

صفحه ۲

سود ۱۲ درصد منتفی شد؛ ۲۳ میلیون سرپرست خانوار ایرانی وام قرض الحسنه یک میلیون تومانی با سود ۴ درصد دریافت می کنند

پورسانت کرونایی پرید!

محمود واعظی: اجازه برداشت از صندوق توسعه ملی توسط رهبر انقلاب، دست دولت را برای اعطای تسهیلات به مردم باز کرد

صفحه ۳



بازارهای بزرگ ترین خط تولید ماسک
در جنوب غرب آسیا توسط ستاد اجرایی
فرمان امام (ره) ایران در این زمینه
به خود کفایی رسید

جهش تولید ماسک

ظرفیت این کارخانه تولید روزانه ۴ میلیون انواع ماسک معمولی، N۹۵ و نانو است
محمد مخبر: در صورت اشباع بازار، می توانیم به صادرات ماسک بپردازیم

صفحه ۴

تیتراهای امروز

اتفاق بی سابقه در آمریکا
برخی فرمانداران می گویند تصمیم دونالد ترامپ
برای لغو قرنطینه را اجرا نمی کنند

**نافرمانی ایالات
از واشنگتن**

گورهای دسته جمعی
این بار در انگلیس



صفحه ۷

با گذشت یک ماه، تعداد مرگ و میر روزانه ناشی از
«کووید-۱۹» در کشور مجدداً به کمتر از ۱۰۰ نفر رسید

عقب نشینی مرگ!

وزیر بهداشت: باید هشدار دهیم
اگر پروتکل های بهداشتی نقض شود
دچار چالش خواهیم شد
تعداد مبتلایان کرونا در کشور به ۷۴۸۷۷
و شمار قربانیان به ۴۶۸۲ نفر رسید

صفحه ۸

**تصویر
آدم های بحران**

گفت و گو «وطن امروز» با محمد رضا امامی
مستندساز حاضر در خط مقدم مبارزه با کرونا
نظر خواهی «وطن امروز» از برخی مدیران فوتبالی
درباره سر نوشت لیگ برتر

موافق تعطیلی لیگ

صفحه ۶

دیدگاه

**جبران ناتوانی های دولت در مقابله با
کرونا با حرکت جهادی مردم**

دکتر عباس سلیمی نمین:
مواجهه با پدیده ناشناخته
کرونا کار بسیار دشواری
است و دشواری آن
منحصر به ایران نیست.



البته دشواری کار ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر است که انتظار می رفت آمادگی بیشتری در این زمینه داشته باشند بیشتر بود اما در عمل دیدیم وضعیت مناسب تری دارد. با این وجود انتظار می رفت در ابتدای امر این مقوله را جدی بگیریم، چرا که تجربه چین را پیش رو داشتیم و نوع مواجهه این کشور با چنین پدیده ای را رصد کرده بودیم. بنابراین باید به لحاظ تشکیلاتی و توجه به ابعاد مختلف این موضوع سیاست های مناسبی را اتخاذ می کردیم.

یک - در این زمینه تاخیری را شاهد بودیم. اینکه مقوله ای که نیاز به اراده ملی بود را در حد یک وزیر تنزل دادند، یک خطای فاحش بود. چرا که زمان را از دست دادیم، وزیر بهداشت نمی توانست به سایر وزرا امر و نهی کند و در واقع قدرت وزیر به وزارتخانه خود محدود می شود از این رو مجبور بود برای حل و فصل، روند های بروکراسی را طی کرده و به نامه نگاری به مقام بالاتر یعنی رئیس جمهور متوسل شود تا پس از آن رئیس جمهور در صدد انعکاس مسائل به سایر وزارتخانه ها بر آید. این مسأله مورد انتقاد جدی واقع شد و رئیس جمهور را واداشت به اینکه حوریت این اقدام را خود بر عهده گیرد.

دو - البته رئیس جمهور چون می دانست کار فراوانی را باید در این زمینه مصرف داشته و وقت و تلاش زیادی را به کار بگیرد، تن به این امر نداد تا جایی که افکار عمومی فشار آورده و او خطای خود را ناگزیر به اصلاح شد بویژه اینکه با ورود نیروهای مسلح به این عرصه که امری بسیار ضروری و خواسته همه جامعه بود، احساس کرد دولت از این مقوله عقب خواهد ماند. لذا خود به میدان آمد و ریاست ستاد ملی مقابله با کرونا را بر عهده گرفت. از آن زمان تحکات رئیس جمهور بیشتر شد و هماهنگی هایی به وجود آمد. ضمن اینکه محدودیت های نیز اعمال شد.

امروز شاهد نامه نگاری وزیر بهداشت به رئیس جمهور نیستیم تا پس از آن رئیس جمهور دستوری را ابلاغ کند بلکه شاهدیم در ستاد ملی مقابله با کرونا وزرا مسائل را مطرح می کنند و پس از تبدیل شدن به مصوبه، ابلاغ می شود.

در این جلسات نماینده قوه قضائیه، نیروهای مسلح و انتظامی، وزرا کسانی که در امر ارتباطات مردمی نقش بسزایی دارند حضور پیدا می کنند.

ادامه در صفحه ۶

تکثیر دلک های جامعه ستیز

نوید مؤمن |

نکته
اخیرا «وأم جامسکی» فیلسوف و اندیشمند برجسته آمریکایی سخنان قابل تاملی را درباره آخرین وضعیت سیاسی - اجتماعی در غرب و ایالات متحده بیان کرده است. شاید این سخنان، عصاره و چکیده همه مواضع جامسکی در قبال پدیده های نوین و تحولات سال های اخیر باشد. وی در این باره می گوید: «بحث ویروس کرونا به اندازه کافی جدی است اما خوب است در نظر داشته باشیم خطر بسیار بزرگ تری در راه است. ما به سمت فاجعه ای بدتر رفته ایم؛ وقتی دونالد ترامپ و آدم کوله های او ما را به سمت پرنگاه پیش می برند، اگر ما سر نوشت مان را به دست دلک های جامعه ستیز بسپاریم، کارمان تمام است؛ و این نقطه دارد نزدیک می شود.»

«دلک جامعه ستیز» نه یک انگ، نه یک توهین و نه یک واژه تزیینی و تبلیغاتی است! آنچه جامسکی بیان کرده است، شاید بهترین و گویاترین ترکیب و تفسیری است که می توان در قبال امثال ترامپ و شخصیت آنها به کار برد. واقعیت امر این است که «ترامپیسم» نماد یک مکتب سیاسی یا دکتترین خاصی نیست. «جان گلدبرگ» تحلیلگر آمریکایی نیز در نشریه «لس آنجلس تایمز»، دقیقاً روی همین نقطه دست گذاشته و می نویسد:

«ترامپ خود بارها گفته است غریزه خودش را بسی بهتر از عقاید و نظریات مشاورانش می داند. او بارها در سخنان خود گفته که سیاستمداران و روسای جمهور پیشین، همگی افرادی ابله و ناتوان بوده اند. این خود شیفتگی است، نه یک ایدئولوژی. حتی ایده هایی که ترامپ تاکنون به صورت هماهنگ و یکپارچه ارائه کرده، هیچ گونه مبنای عقلانی درستی نداشته اند. ترامپ مقررات را دوست ندارد، چرا که به عنوان یک تاجر، مقررات سد راه وی می شوند.»

ما امروز با پدیده ای در کاخ سفید روبرو هستیم که نه تنها قوانین و هنجارهای بین المللی، بلکه واضح ترین ارزش های بشری را نیز به سخره می گیرد. این تمسخر، بدون شک به مذاق بخشی از جامعه آمریکا خوش آمده است. نژادپرستان، ملی گرایان افراطی و سفیدپوستانی که اخراج رنگین پوستان و تحقیر آمریکایی های آفریقایی تبار از اصلی ترین خواسته های آنها بوده است، همگی طرفدار ترامپ هستند. ترامپ با خنده و تمسخر به بنیان های هنجاری نظام بین الملل حمله می کند و از سازمان تجارت جهانی گرفته تا ناتو را منسوخ تلقی می کند. در این میان، تعداد زیادی از شهروندان کشورهای اروپایی و آمریکا که تشنه «گذار از شرایط موجود» در جهان امروز هستند، به اشتباه ترامپ را یک

یادداشت

بر اساس قانون کار، میزان حداقل دستمزد کارگران باید بر اساس ۲ شاخص «سبد معیشت خانوار» و «نرخ تورم سالانه» تعیین شود. در ماده ۴۱ این قانون آمده است: «حقوق کارگران باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد». طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران، تورم کشور در سال گذشته ۳۵ درصد و بر اساس آمار بانک مرکزی تورم بیش از ۴۱ درصد بوده است. با این حال شورای عالی کار در جلسه ای که با حضور نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان برگزار شد بدون وجود اجماع و با توجه به غلبه تعداد رای نمایندگان دولت و کارفرمایان و بدون تعیین نظر نمایندگان کارگری، رای به افزایش ۲۱ درصدی حداقل حقوق و ۱۵ درصدی سایر سطوح حقوقی داد؛ افزایشی که البته با توجه به نرخ های اعلام شده تورم نوعی کاهش حقوق (قدرت خرید) کارگران تلقی می شود.

افزایش حداقل حقوق حتی اگر متناسب با افزایش تورم باشد، باعث کاهش قدرت خرید کارگران می شود. برای مثال اگر چه سال ۹۸ حقوق ها متناسب با نرخ ۳۶ درصدی تورم افزایش یافت اما باز شاهد کاهش قدرت خرید کارگران بودیم. دلیل این موضوع این است که اساساً افزایش حقوق نیروی کار متناسب با افزایش نرخ تورم معیار مناسبی برای حفظ یا افزایش قدرت خرید کارگران نیست، چرا که تورم سالانه به معنای تغییرات قیمتی ۳۹۰ قلم کالا و خدمات نسبت به سال گذشته است. حال آنکه اصولاً بسیاری از این کالاها و خدمات مانند هزینه های سفر، تفریحات، کلاس های آموزشی، ورزش و... سهمی در سبد مصرفی کارگران ندارند، بلکه عمده سبد مصرفی این قشر مواد غذایی و هزینه های مربوط به تامین مسکن است. لذا در اینجا بهترین و منصفانه ترین معیار، میزان تغییر یا تورم ایجاد شده در سبد معیشتی خانوار مشتمل بر ۲۵ کالا است. برای مثال نرخ تورم در حالی حدود ۴۰ درصد اعلام شده که تورم سبد مصرفی کارگران بخش غیردولتی چیزی حدود ۶۰ درصد است. در واقع تعیین حداقل حقوق حتی متناسب با افزایش تورم نیز نمی تواند منجر به افزایش یا حتی حفظ قدرت خرید کارگران شود. حال آنکه سال ۹۹ افزایش حقوق ها در سطحی بسیار پایین تر از نرخ عمومی تورم رخ داده که به معنای وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران و پذیرش رسمی این مسأله از سوی دولت است.

بدعت های جدید دولت در رابطه با دستمزدها

میثم مهرپور |

بهرغم انتقادات موجود از میزان حداقل حقوق دریافتی نیروی کار و عدم تناسب آن با افزایش نرخ تورم، نکته آزاردهنده این است که حتی همین حداقل حقوق تعیین شده نیز از سوی بسیاری از کارفرمایان رعایت نمی شود. دلیل این موضوع وجود نرخ بیکاری بالا در کشور است. اصولاً دولت یا نهادهای قانونی، زمانی می توانند حداقل دستمزد را تعیین کنند که نرخ بیکاری در آن جامعه تکرر کمی و عموماً به صورت بیکاری های ارادی تعریف شده باشد. در اقتصادی مانند ایران که طبق آمارهای رسمی - و البته با تعاریف و تفاسیر غیرواقعی از مفهوم اشتغال و بیکاری - دارای نرخ بیکاری ۲۱ درصدی است، نمی توان چندان به اجرائی قانون حداقل حقوق در یافتی امیدوار بود. همانطور که سال گذشته حداقل حقوق پایه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و حداقل حقوق دریافتی حدود ۲ میلیون تومان بود اما این موضوع عملاً حتی در سطح شهرهای بزرگ نیز رعایت نمی شد. دلیل این مسأله این است که چون بخش قابل توجهی از افراد جویای شغل با همین حداقل حقوق ها نیز همچنان فاقد شغل هستند، این افراد در یک رقابت منفی وارد بازار کار شده و حاضرند صرفاً برای یافتن شغل حتی با ازرقامی کمتر از ارقام تعیین شده حداقل دستمزد صاحب شغل شوند. پس بی شک حتی پرداخت همین حداقل حقوق ها نیز همانند سال های گذشته در سال جاری رعایت نخواهد شد. (۳) موضوع بعدی ایجاد یک شکاف یا تبعیض آشکار میان مشاغل دولتی و بخش غیردولتی است. طبق اعلام مسؤولان دولتی حداقل حقوق سال ۹۹ برای بازنشستگان و کارکنان دولت ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد بود. این در حالی است که حداقل میان مشاغل دولتی و بخش غیردولتی است. این کشور باید به سمت چابک سازی دولت و حمایت از کسب و کارهای کوچک در بخش خصوصی حرکت کند به معنای ارسال یک پالس به نیروی کار در راستای تلاش برای حضور در بخش دولتی است.

راهکار چیست؟
استدلال نمایندگان دولت در مخالفت با نظر نمایندگان کارگری و رای موافق به نظر نمایندگان کارفرمایی این بود که با افزایش دستمزدها بیش از این مقدار، کارفرمایان توان پرداخت حقوق ها را نداشته و این امر منجر به عدم استخدام نیروی

عکس: شادزکی فارس